

فرازهایی از کتاب مقدس

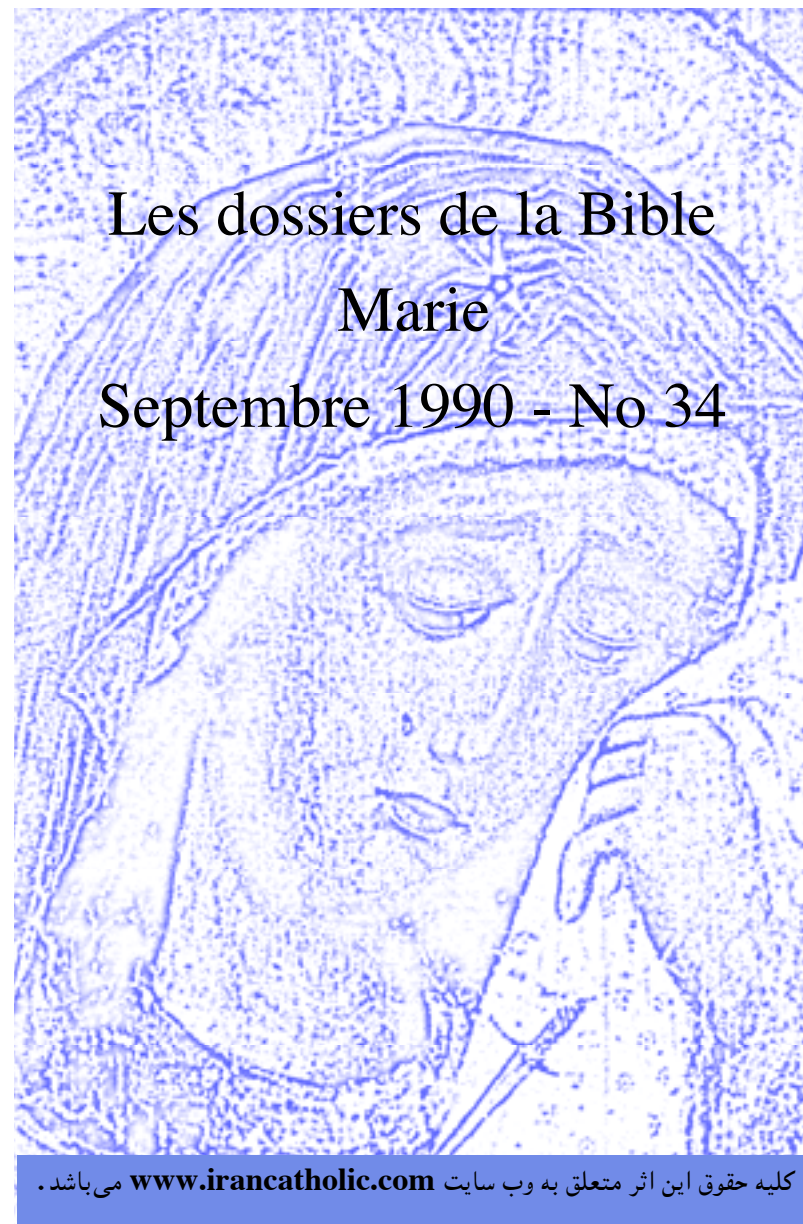
# مریم



Les dossiers de la Bible

Marie

Septembre 1990 - No 34



کلیه حقوق این اثر متعلق به وب سایت [www.irancatholic.com](http://www.irancatholic.com) می باشد.

## فهرست

### صفحه

۴	مریم در عهدجدید
۸	مریم در انجیل متی و مرقس
۱۱	ترسیم چهرهٔ مریم توسط لوقا
۱۶	مریم به ملاقات الیزابت می رود
۱۹	مریم در انجیل یوحنا
۲۴	قدیمی ترین متون نوشته شده دربارهٔ مریم
۲۶	تمثیلهای مریم در عهدعتیق
۳۰	مریم در انجیل مشکوک الاصل
۳۳	تکریم مریم زیر سؤال
۳۷	گروههای مطالعاتی کتاب مقدس
۳۹	چهار جدهٔ عیسی
۴۲	سرود ستایش مریم

## توضیح

ترتیب خواندن ارجاعات (رفرانس ها) به این شرح است:

: بین باب و آیه قرار می گیرد

- بین بابها یا آیات قرار می گیرد

، نشانهٔ پایان یک رفرانس است

مثلاً مت ۱۲: ۴۶-۵۰، یعنی انجیل متی، باب ۱۲، از آیهٔ ۴۶ تا آخر آیهٔ ۵۰

## مریم در عهد جدید

از مجموع ۲۷ کتابی که عهد جدید را تشکیل می‌دهند تنها پنج کتاب از مریم سخن می‌گویند. جدول این کتابها را به ترتیب احتمالی تاریخ نگارششان و تعداد دفعاتی که مریم در آنها با نام یا تنها «مادر» عیسی خوانده شده است، نمایش می‌دهد. اولین تحقیق نشان می‌دهد که متون قدیمی تر، بویژه رساله‌های پولس از مریم سخن نمی‌گویند. اما چرا! پولس در نامه اش به غلاطیان برای اثبات این مطلب که عیسی واقعاً انسان و مانند همه ما متولد شده است، یادآوری می‌کند: «خدا پسر خود را فرستاد که از زن زائیده شد» (۴:۴)\*. مشکل بتوان این سکوت پولس را همانند سکوت تمام انجیل تفسیر کرد.

در مکاشفه، رویای «زن ملبس به آفتاب» باب ۱۲، بنا بر مکاشفات یهود نه به شخص مریم بلکه به جامعه بنی اسرائیل اشاره می‌شود که مسیح را زائید. سالها بعد بود که تقوای مسیحی راضی به دیدن مریم در این امر شد. بنابراین تنها کتابهای عهد جدید که از مریم حرف می‌زنند انجیل هستند؛ قبل از انجیل، ایمان مسیحیان اولیه بر مرگ و قیام مسیح متمرکز شده بود و نه بر تولدش.

## تنها انجیل چهارگانه از مریم سخن می‌گویند

متونی که از مریم خارج از انجیل کودکی سخن می‌گویند، عبارتند از:

۱- فرا رسیدن مادر و برادران عیسی و کلام عیسی که شاگردانش را چون خانواده حقیقی اش معرفی می‌کند. (مت ۱۲:۴۶-۵۰، مر ۳۱:۳۵-۳۵، لو ۸:۱۹-۲۱ و ۲۷:۱۱-۲۸).

\*- رجوع کنید به صفحه ۳

- ۲- مردم ناصره خانواده عیسی را می‌شناسند: (مت ۱۳:۵۵-۵۶، مر ۶:۲، یو ۶:۴۲)
- ۳- صحنه‌هایی که تنها در انجیل یوحنا آمده‌اند: عروسی در قانای جلیل (۲:۱-۱۲) مریم در جلجتا (۱۹:۲۵-۲۷)
- ۴- حضور مریم و برادران عیسی در جمع آن یازده نفر و زنان، پس از صعود (اع ۱:۱۴).

مریم «مادر» عیسی	مریم	عیسی
متون دسته اول شهادت می‌دهند که خانواده عیسی او را به هنگام موعظه اش جدی نمی‌گیرند، مرقس آن را صریحاً تأیید می‌کند (۲۰:۳-۲۱) لوقا موضوع خانواده واقعی عیسی را به ستایش مریم تبدیل می‌کند که به مانند شاگردان به سخنان او گوش می‌داد و کلام خدا را در دل نگه می‌داشت (لو ۱۱:۲۷-۲۸). متون دسته دوم در معبد ناصره به ما می‌گوید که عیسی یک نجار است، پسر مریم و یوسف. فقط لوقاست که به نوعی عجیب، (برخلاف متی و مرقس) از مریم نام نمی‌برد و مانند یوحنا نیز به «مادرش» اشاره نمی‌کند به مقاله صفحه (۹) مراجعه شود.	۱- تسا ۲- تسا ۱- قرن ۲- قرن غل روم فی افس کول فیل مرقس عبر یع	۱- تسا ۲- تسا ۱- قرن ۲- قرن غل روم فی افس کول فیل مرقس عبر یع
در متون دسته سوم، یوحنا قویاً دو صحنه قانا و جلجتا را به هم مرتبط می‌سازد. مریم شاهد و حتی مسبب اولین معجزه‌ای است که باعث ایمان آوردن شاگردان شد. او تا به آخر با شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت و مریم پس از آن مادرش شد، در ایمان باقی ماند. (به مقاله صفحه ۲۰ مراجعه شود).	۱- پطر ۱- تیمو ۲- تیمو تبط متی	۱- پطر ۱- تیمو ۲- تیمو تبط متی
	× ۱	× ۳
	× ۵	× ۸

## اناجیل کودکی مسیح

لوقا	× ۱۲	× ۷
اعمال	× ۱	× ۱
یوحنا		× ۱۰
۱- یو		
۲- یو		
۳- یو		
مکا		
یهو		
۲- پطر		

متی و لوقا اناجیلشان را با نوعی مقدمه آغاز کرده اند (متی ۱-۲، لوقا ۱-۲). هدف این مقدمه ها که بسیار دیر نوشته شدند، نه ارائه دوران کودکی عیسی بلکه شناسایی عیسای ناصری است که کلیسا او را خداوند می خواند. متی بابهای اول و دوم کتابش را بر پنج نوشته کتب عهد عتیق سازمان می دهد تا ثابت کند که عیسی همانی است که انبیاء اعلام

می کنند. کسی که اراده خداوند را تحقق خواهد بخشید. در این متن که بر شخص مسیح متمرکز شده است، متی صریحاً به مادر و با کره بودن مریم اقرار می کند. عیسی، برادر ما، پسر مریم است؛ اما همانطور که بکارت مادرش نشان می دهد او تنها از خداست. او یقیناً عمانوئیل یعنی خدا با ما است (متی ۲۸: ۲۰).

مقدمه لوقا به منظور نشان دادن برتری عیسی، از دو روایت موازی یحیی تعمید دهنده و عیسی تشکیل شده که در هم ادغام می شوند. لوقا آمادگی کامل مریم در برابر کلام خدا را نشان داده و بکارت مریم را آشکارا مانند نشانه ای از کار خدا در این تولد تأیید می کند. (به صفحه ۱۲ رجوع کنید).

## اساسی ترین مسئله، ایمان به عیسی

در خصوص مریم مطالب بسیار کمی نوشته شده است. اما ایمان اولین مسیحیان به خوبی در همانها تشریح می شود. این مطالب از مریم تنها در ارتباط با پسرش سخن می گویند. همانطور که چهارمین انجیل می گوید او «مادر عیسی» است. بیش از این از او نمی دانیم، نه از خانواده اش نه از سالهای آخر عمرش؛ گویی که تمام این خاطرات در ابهام و سایه فرو رفته باشند. مریم در پس پسرش از نظرها محو می شود.

مریم همچنین «پراز لطف» است: تمام اینها را از خداوند دارد. مادر بودنش به مانند بکارتش اعتقادات مسیحیان را صحنه می گذارد: عیسی بخشش رایگان خداست. لوقا و یوحنا مریم را سرمشق قرار می دهند چرا که وفاداری اولیه اش، علی رغم مشکلات، او را تا به پای صلیب می کشاند. مریم در این راه مسائل و مشکلات بسیاری داشت اما اعتمادش به خداوند بر مسائل غیر قابل درکش فائق آمد. خوانندگان انجیل می آموزند که با او «بله» این «باشد» معروف اعلام مژده را گویند.

\* \* \*

\* \*

\*

بلکه به توجیه تولد شگفت آور عیسی از مادری باکره (۱: ۲۲-۲۳) به کمک نقل قولی از کتب عهد عتیق (اش ۷: ۲۴) قانع می شود.

مرقس درباره کودکی مسیح چیزی ننوشته است، با این حال سنت را در مورد تولد بی آرایش، با معرفی عیسی به عنوان «نجاری، پسر مریم» و نه پسر یوسف (چون مت ۱۳: ۱۵ و لو ۴: ۲۲) یادآوری می کند (مر ۶: ۳). باید گفت که این نشان دلیلی قاطع است که نویسنده انجیل بارداری بی آرایش عیسی را گواهی می دهد.

متی ۵۵: ۱۳ آیا این پسر نجار نمی باشد آیا مادرش مریم نامی نیست؟	مرقس ۳: ۶ مگر این نیست نجار، پسر نامی نیست؟	لوقا ۲۲: ۴ مگر این پسر یوسف نیست؟	یوحنا ۴: ۶ آیا این عیسی پسر یوسف نیست که ما پدر و مادر او را
--	---	--	---

### عیسی، مادر و برادرانش

متی و مرقس، اشاره به روابط دشوار عیسی با خویشانش می کنند (مت ۱۲: ۴۶-۵۰ و مر ۲۰: ۲۰-۲۱، ۳۱-۳۵، مت ۱۳: ۵۵ و مر ۳: ۳). در این دو مجموعه متون، نه تنها مریم، بلکه مادر و برادران عیسی به نیت توجیه کردنش متحد شده اند. مرقس حتی می گوید که خویشاوندانش می آمدند تا او را با خود ببرند چرا که می گفتند: «دیوانه شده است» (مر ۳: ۲۱). احتمالاً مادر و برادرانش به مانند کاتبان می اندیشیدند که او «تحت فرمان بعزبول است» (مر ۳: ۲۲). اما عیسی در مورد خویشان واقعی اش چنین می گوید: «هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است» (مت ۱۲: ۵۰). دومین متن مسئله ای است که طبیعتاً خیلی کم بر آن تأکید می کنند، یعنی حدیث غیر قابل درک و باور نکردنی خویشان عیسی را تأیید می کند (یو ۷: ۵). عیسی این چنین نتیجه گیری می کند: «نبی بی حرمت نباشد جز در وطن خود و میان خویشان و در خانه خود» (مر ۴: ۴). متی با اینکه سخنان تندى ندارد از دو واقعه سخن می گوید که اختلاف روشن و واضحی بین خویشاوندی خونی باور نکردنی و آشفته و خویشاوندی شاگردان را ثابت می کنند.

## مریم در انجیل متی و مرقس

در انجیل های متی و مرقس به قدری اشاره به مادر عیسی کم است که مطالعه ای در آنها در خصوص مریم می تواند بیهوده به نظر آید. بگوییم که این دو انجیل نگار برخلاف یوحنا و بخصوص لوقا روایاتی در خصوص مریم ندارند. با این حال مثنهایی که در آنها به مریم اشاره می کنند دو نکته جالب را برملا می سازند.

### مادر و باکره

متی بارداری پاک و بی آرایش عیسی را برخلاف لوقا بدون شرحی طولانی یادآوری می کند. می دانیم که اولین فصل انجیل متی از یوسف و نه از مریم، سخن می گوید. در حقیقت متی تماماً غرق در اثبات این مسئله است که عیسی مسیح از نژاد داود و پادشاهی است. تبار عیسی (۱: ۱-۱۷) توسط یوسف موجودیتی مشروع در اعقاب داود را به او می دهد (۱: ۱۶). در روایت بعدی (۱: ۱۸-۲۵) یعنی اعلام مژده به یوسف، طبق سنت این یوسف است که نام عیسی را به پسر مریم می دهد (۱: ۲۱-۲۵). یوسف نام او را در تاریخ بنی اسرائیل ثبت کرد.

متی جنبه دیگر هویت عیسی را در این چهارچوب معرفی می کند: او میوه روح القدس است (۱: ۱۸-۲۰) که توسط مریم چیده شد. با اینکه مریم در عقد یوسف بود هنوز با او زندگی نمی کرد (۱: ۱۸) و کودک از زناشویی آنان متولد نشد (۱: ۲۵). همانطور که یوسف این مژده را از فرشته خداوند می پذیرد، متی نیز این سنت جامعه اش را می پذیرد. او به هیچ وجه از هیجان درونی مریم سخن نمی گوید

این دو واقعه که متی و مرقس آنها را نقل کرده اند بسیار غیر مترقبه هستند. چرا که از سویی بکارت مریم بی آنکه تفسیر شود در آنها به وضوح تأیید شده است و از سوی دیگر مریم علی رغم رفتار بازدارنده اش نسبت به عیسی، هم چنان خویشاوندی اش را با او حفظ می کند. روایت عدم درک «برادران» عیسی تا روز پنطیکاست چیز زیادی از مریم نمی گوید. شخصیت مریم هم چنان در ابهام باقی می ماند. این موضوع ما را بر آن می دارد تا متون متی و مرقس را توسط منتهای لوقا و یوحنا تکمیل سازیم.

## ترسیم چهره مریم توسط لوقا

افسانه ای می گوید که لوقای انجیل نگار نقاش بوده و میل به ترسیم چهره مریم داشته است. در حقیقت لوقا در دو فصل اول کتابش یعنی دوران کودکی مسیح، چهره ای ادبی و الهیاتی از مریم ترسیم کرده است.

### مریم ناصری

«نام باکره مریم بود». داستان این زن و عیسی این گونه آغاز می شود. نام مریم به مفهوم «شاهزاده، بانو» است. در آن زمان این نامی متداول بود، خواهر موسی نیز همین نام را داشت. مریم در «شهری در جلیل به نام ناصره» زندگی می کرد. و چنان که مرسوم بود «نامزد» مردی به نام یوسف «از خاندان داود» درآمده بود. در مورد خانواده مریم چیزی نمی دانیم جز اینکه او «خویشاوندی» به نام الیزابت از خاندان کاهنان داشت. الیزابت همسر کاهنی به نام زکریا، و نازا بود. جبرائیل به مریم خبر می دهد که الیزابت در دوران پیری خود، باردار پسری است. مریم به نزد الیزابت «به کوهستان به شهری در یهودیه می رود» و تا تولد یحیی «به مدت سه ماه در آنجا می ماند».

به نظر نمی آید موردی خارق العاده مریم ناصره را از دیگر زنان یهودی عصر خویش متمایز سازد. تابع قانون روم همراه یوسف برای سرشماری به بیت الحم یهودیه می رود. لوقا او را مطیع قانون موسی نشان می دهد: ختنه کردن و تقدیم کودک به خداوند، رفتن به اورشلیم برای عید گذر و غیره... لوقا اشارات گوناگون کتاب مقدس را یکجا در دعای حمد و ستایش معروفی که مریم می خواند می آورد و مریم در تاریخ این قوم و تحقق وعده خداوند جای گرفت.

\* \* \*  
\* \*  
\*

## مورد لطف خداوند

لوقا نقل

می‌کند: این زن که توجه کسی را به خود جلب نمی‌کند ملاقاتی با جبرائیل، فرشته‌ای که خداوند او را مأمور اعلام زمان آمدن «مسیح» به دانیال کرده بود، دارد (دان:۸:۱۶-۱۷،

۲۱:۹-۲۵). جبرائیل با این جمله به مریم سلام می‌دهد. «شادی کن ای که مورد لطف خدایی». بیم آن می‌رود که عرف و عادت آنچه که این سلام



در بطن خود دارد را پنهان سازد. «مورد لطف خدا» نام دیگر مریم است، نامی که خداوند به او می‌دهد. کلامی عجیب که این زن معمولی که خود تمثیلی از قوم برگزیده است را با محبوب غزل غزلها مقایسه می‌کند.

جمله «شادی کن». دعوت از صفتها و زکریا را بیاد می‌آورد: «ای دختر صهیون ترنم نما، ای اسرائیل آواز شادمانی بده». (صف ۳:۱۴)، «ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده». (زک ۹:۹). انگیزه شادی

در تمام این متون یکی است «خدا با توست!» این همان سلام شادی است که در الهام موسی (خروج ۳:۱۲) و جدعون (داور ۶:۱۲) و ارمیا (۱۸:۱-۱۹:۱۵:۲۰) وجود دارد.

کسانی که «مورد لطف خدا» هستند مأموریت رساندن سلام و آشتی را دارند. شادی که با آنها آغاز می‌شود، شادی مسیحیایی تمام قوم است. چنانچه خداوند بر مریم یعنی بر «کنیز حقیرش نظر افکنده است» «به خاطر ابراهیم و ذریت اوست». دعای مسیحی به خودی خود فریاد شغف الیزابت را به سلام جبرائیل پیوسته است. «در میان زنان تو مبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو» (۱:۴۲).

## مادر عیسی

از نظر لوقا مریم در مرحله اول مادر عیسی است. مریم با بشارت مادر شدنش وارد صحنه می‌شود: «اینک حامله شده پسری خواهی زائید و او را عیسی خواهی نامید» (۱:۳۱) الیزابت او را همچون «مادر خداوند» سلام می‌دهد (۱:۴۳). او در شرایطی غیر طبیعی مادر می‌شود اما حرکاتش به مانند مادری معمولی است: «او پسر نخستین خود را زائید و او را در قنناق پیچیده و در آخور خوابانید زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود» (۲:۷).

روایت لوقا حتی نوع رابطه مریم و عیسی «در دوازده سالگی عیسی» به هنگام زیارت در اورشلیم را مشخص می‌سازد. پس از سه روز وقتی او را باز یافتند مریم سخنانی را بر زبان می‌آورد که هر مادری می‌تواند بر زبان آورد: «ای فرزند چرا با ما چنین کردی اینک پدرت و من غمناک گشته ترا جستجو می‌کردیم» انجیل نگار سپس می‌افزاید که او مطیعانه با آنها باز می‌گردد.

سالها بعد روزی به هنگامی که عیسی مردم را تعلیم می‌داد مریم خواست او را ببیند، از سوی یک مادر این امری کاملاً قابل درک است. به او گفتند: «مادر و برادر بیرون ایستاده می‌خواهند تو را ببینند» (۸:۱۹). طبق کتاب اعمال رسولان

همان خویشاوندان یعنی «مریم، مادر عیسی و برادرانش» همراه با رسولان در انتظار نزول روح القدس «در عبادت و دعا مواظب بودند» (اع ۱:۱۴).  
 روزی هنگامی که عیسی سخن می گفت زنی به او گفت: «خوشا به حال آن رحمی که ترا حمل کرد و پستانهایی که مکیدی» اما خوشبختی حقیقی مریم یا سبب پیوستگی اش به عیسی در این امر نیست.



## آنانی که گوش فرا می دهند

عیسی در پاسخ آن زن ستایشگر و شاید حسود می گوید: «خوشا به حال آنانی که کلام خدا را می شنوند و آن را حفظ می کنند.» لوقا بیش از هر چیز بر ایمان مریم و آمادگی اش برای انجام کلام خدا تأکید می کند. جبرائیل به او می گوید که «نزد خدا هیچ امری محال نیست». پس او به سادگی تمام گفت: «اینک کنیز خداوندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود» (۱:۳۸). و الیزابت می گوید: «خوشابه حال کسی که باور می کند».

لوقا به دفعات تحیر مریم در مقابل کلام خدا و این پسر که پسر اوست و خود را از آن دیگری می داند، نشان می دهد: «آیا نمی دانستید که باید در امور خانه پدر خود باشم؟» مریم همانند یوسف چیزی از این سخن نفهمید (۲:۵۰). اما لوقا می گوید که مریم تمامی این امور را در خاطر خود نگاه می داشت و بر آنها تعمق می کرد (۲:۱۹، ۵۱).

در حقیقت عیسی با تمجید مریم، به بهترین نحوی تأیید می کند که «مادر و برادران من کسانی هستند که کلام خدا را می شنوند و آن را به جا می آورند.» مریم چون «کنیزی» همان طور که عیسی «خدمتگزار» است گوش می دهد. «در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت» (۲:۳۵). اما او تا به آخر «خاک خوب» بارور و حاصلخیز می ماند، همچون «کسانی که کلام مرا به دل راست و نیکو شنیده آنرا نگاه می دارند و با صبر ثمر می آورند» (۸:۱۵).

ایمان مریم پس از آزمایش بزرگ پا برجا می ماند و او پس از مرگ عیسی با برادران و شاگردانی است که آنقدر ایمان داشته اند تا باقی بمانند و روح القدس را بیابند. در غیاب عیسی زمینی به لطف روح القدس باید قومی نوین متولد می شد. مریم حاضر و خود دار در این دومین آغاز شرکت می کند همان طور که در سرآغاز شرکت کرده است.



با آواز بلند صدا زده گفت: «تو در میان زنان متبارک هستی و مبارک است ثمرهٔ رحم تو! و از کجا به من رسید که مادر خداوند من به نزد من آید؟»

همه چیز به نظر غیر طبیعی می‌رسد. کودک شادی می‌کند. حال مادرش فریاد بلند سر می‌دهد تا اهمیت سخنی که خواهد گفت را مشخص سازد. و چه نبوت خواهد کرد؟ این که موقعیت مریم به چشم خداوند در میان تمام زنان نظیر ندارد. اما این لطف و محبت برای چیست؟ روح به الیزابت می‌نمایاند که کودک مریم «خداوند» است. اولین مسیحیان بعدها عنوان شاهی «سرور» را به عیسیای قیام کرده می‌دهند. پس همه چیز گفته شده و آماده است. آنچه که شاگردان کم کم در همراهی عیسی از تعمید یحیی تا روز پنتیکاست کشف خواهند کرد از همان نخست اعلام شده است. پسر مریم حتی نام خداوند را بر خود دارد.

«زیرا اینک چون آواز سلام تو گوشزد من شد بچه از خوشی در رحم من به حرکت آمد. خوشا به حال او که ایمان آورد زیرا که آنچه از جانب خداوند به وی گفته شد به انجام خواهد رسید.»

سابقاً داود پادشاه تصمیم به انتقال صندوق پیمان به پایتخت جدیدش، اورشلیم گرفته بود. این صندوق مقدس حاوی لوح فرامین و نشانهٔ حضور خدا در میان قومش بود. بدین ترتیب صندوق به سوی کوهستان یهودیه برده و در خانهٔ عوبید دوم متوقف شد. داود که به استقبال صندوق رفته بود به محض دیدن آن گفت: «تابوت خداوند نزد من چگونه بیاید» (۲ سمو ۶: ۹). و شاه از شادی می‌رقصید. مریم جای صندوق را گرفته است. در حالی که باردار است خداوند را در خود حمل

## مریم به ملاقات الیزابت می‌رود

(لو ۱: ۳۹-۴۵)

در آن روزها مریم برخاست و به بلدی از کوهستان یهودیه به شتاب رفت. و به خانهٔ زکریا در آمده و به الیزابت سلام کرد.

«در آن روزها...» کتاب مقدس روایاتی که حضور خدا را می‌رسانند بدین گونه آغاز می‌کند. بنابراین داستانی که روایت می‌شود داستانی مقدس است. مریم عازم کدام شهر می‌شود؟ نمی‌دانیم. او از ناصره تمام استان را برای رفتن به یهودیه طی می‌کند و با شتاب به سوی خویشاوندش الیزابت می‌رود.

چون الیزابت سلام مریم را شنید بچه در رحم او به حرکت آمد و الیزابت به روح القدس پر شد.

سلام مریم حداقل دو پدیده را باعث می‌شود. اولین پدیده در نوزاد الیزابت ظاهر می‌شود: آیا ممکن است بچه‌ای در رحم مادرش جست و خیز کند؟ تکان خوردن بله اما رقصیدن! بقیهٔ داستان علت این حرکت بزرگ را روشن می‌سازد. شادی. به چه علت حضور مریم چنین شادی بزرگی را در بچهٔ خویشاوندش باعث می‌شود؟ پدیدهٔ دوم، تحول الیزابت به یک نبیه است. او چون انبیاء عهد عتیق از روح پر می‌شود. پس سخنی که خواهد گفت نبوت است، غیب‌گویی اظهار شده در نام خداوند.

می کند. او نیز برای رفتن به کوهستان یهودیه شتاب کرده و در خانه زکریا توقف می کند. با دیدن او، الیزابت فریاد سر می دهد. «از کجا به من رسید که مادر خداوند به نزد من آید.» و کودکش از شادی در رحمش تکان می خورد. از این پس خداوند دیگر به یک مکان و یک چیز تعلق ندارد بلکه کودک مریم نشانه حضور خداوند در میان مردم است.

## مریم در انجیل یوحنا

اناجیل برای ارضاء کنجکاو خوانندگان در خصوص جنبه های مختلف زندگی عیسی یا دیگر شخصیتها نوشته نشده اند، بلکه تنها، اموری که در ارتباط با مژده مسیح بودند، در خطابه های رسولان حفظ شده اند. برای مثال با مطالعه این نوشته ها مطالب مهمی درباره اصل و نسب یا احساسات مادر عیسی دستگیرمان نخواهد شد. و نادر وقایعی هم که مریم در آنها شرکت دارد باید همچون صحنه های نمادی مورد بحث و مطالعه قرار گیرند. یوحنا از این میان دو واقعه را انتخاب کرده است که در اناجیل نظیر بحث نشده اند: مریم در قانای جلیل و مریم در جلجتا.

### مریم در قانای جلیل (یو: ۱: ۲-۱۲)

درباره این روایت آنقدر مطلب نوشته شده که تقریباً به اندازه همان ۷۰۰ لیتر آب تبدیل شده به شراب، جوهر بکار رفته است. کاتولیکها و پروتستانها اغلب بر تعبیر نقش مریم در این واقعه اختلاف نظر دارند. یقیناً شخصیت اصلی این روایت عیسی است و نه مریم، عیسی تنها شخصیتی است که در این روایت به نام خواننده شده است. دیگر شخصیتها یا بر حسب منصبشان (رئیس مجلس، خدمتگزاران، داماد) و یا بر حسب ارتباطشان با عیسی (مادرش، شاگردانش، برادرانش) معرفی شده اند. وانگهی چهارمین انجیل هیچگاه مریم را به اسم نمی خواند بلکه همیشه از او با عنوان «مادر عیسی» یاد می کند.

با این حال مریم نقش قاطعی در اولین معجزه عیسی دارد. او بنا به رسم معمول درخواستش را به صورت یک خبر مطرح می سازد: «آنان دیگر شراب ندارند.»

گفتگوی عیسی و مادرش کوتاه اما عمیق و مبهم است. عیسی با اصطلاحی رایج در زبان عبری به مریم پاسخ می‌دهد: «ای زن مرا به تو چه کار است؟» در کتاب مقدس این اصطلاح همیشه معرف اختلاف بین دو شخصیت و نشان دهنده مداخله ناحق کسی در امور دیگری، مرا با شما چه کار است؟ (۲ سمو ۱۶: ۱۰) یا اجتناب شخصی که وادار به مداخله در امری شده مرا با تو چه کار است (۲ پاد ۳: ۱۳)، می‌باشد. روشن است که از سوی عیسی فاصله‌ای بین او و مادرش وجود دارد. بیهوده است همانند برخی برای ملایم کردن خشونت گفتگو، نگاه یا لحنی را در میان خطوط جستجو کنیم. اما لزومی هم ندارد همانند یوحنا کریسوستوم (یکی از پدران کلیسا و اسقف اعظم قسطنطنیه) سرزنش عیسی به مادرش که احتمالاً بسیار نگران موفقیت پسرش بود را نیز مجسم کرد. عیسی مادرش را دعوت به برداشتن قدمی می‌کند. مریم مادرش شده و حال باید از حاکمیت بر پسرش صرف نظر کند. زیرا که ساعت عیسی نمی‌تواند به مریم، بیش از دیگران، بستگی داشته باشد. اما تنها به اراده پدر بستگی دارد (۱۲: ۲۷-۲۸). عیسی مریم را «زن» می‌خواند- عنوانی که یک پسر هیچگاه به مادرش نمی‌دهد- در جلجتا نیز او را زن خواهد خواند. این نشان می‌دهد که دیگر با او چون پسر سخن نمی‌گوید: مأموریتش در اینجا آغاز می‌شود، مأموریتی که در آن مادر و برادری وجود ندارد، اما تنها شاگردان. مادر عیسی این دعوت برای شاگرد بودن را خوب درک می‌کند و پاسخی که می‌دهد نشانه اعتمادی کامل است: «هر آنچه به شما می‌گوید، انجام دهید».

در این لحظه او تبدیل به چهره حقیقی بنی اسرائیل می‌شود که در پای کوه سنیا به موسی می‌گویند: «هر آنچه که خداوند گفته است خواهیم کرد و گوش خواهیم داد» (خروج ۲۴: ۷). مگر اینکه اشاره‌ای باشد به یوسف که مصریان قحطی زده را سیر خواهد کرد: «نزد یوسف بروید و آنچه او به شما می‌گوید بکنید» (پید ۴۱: ۵۵) بدین ترتیب دخالت مادر عیسی امری ضروری است. به لطف او خدمتگزاران تنها شاهدان و همکاران اولین معجزه می‌گردند و باز به لطف او شاگردان جلال خدا را می‌بینند و به عیسی ایمان می‌آورند.



او مظلوم شد اما تواضع نموده دهان خود را نگشود. مثل بره ای که برای ذبح می‌برند و مانند گوسفندی که نزد پشم برنده‌اش بی‌زبان است همچنان دهان خود را نگشود.

(اشعیا، نبی ۷: ۵۳)

## مریم در جلجتا (یو ۱۹: ۲۵-۲۷)

معجزه قانا صحنه جلجتا را پیش بینی می کند، وقتی ساعت رسید تنها وفاداران، زنان و در میان آنان مادر عیسی و شاگردی که عیسی او را دوست می داشت در کنار او باقی ماندند. در این صحنه به مانند تمام روایت رنج مسیح، عیسی به صورت خداوند که حوادث را رهبری می کند و مفهوم می بخشد، وصف شده است. او برای اولین مرتبه به دو شخصیت روایت مأموریت می دهد: جمله «با دیدن مادرش...» جملات به کار گرفته شده به هنگام انتخاب اولین شاگردان را به خاطر می آورد (۱: ۲۹-۳۵).

«ای زن اینک پسر تو»: عیسی در اینجا نه به عنوان یک پسر بلکه به عنوان خداوند سخن می گوید. تطابق با ماجرای قانا در اینجا کاملاً واضح است. اینها تنها صحنه هایی هستند که مادر عیسی در آنها وارد می شود. او دوباره زن خوانده شده و ساعت رسیده است: «و در همان ساعت آن شاگرد او را به خانه خود برد.»

این صحنه باید مفهومی نمادی داشته باشد. شاگرد تبدیل به «پسر مریم» یعنی برادر عیسی می شود. مریم که شاگرد را به فرزندی قبول می کند معرف قوم جدید است که بر صلیب

متولد می شود. او پذیرای تمام برادران عیسی است که چون شاگرد او را تا بدینجا همراهی کرده اند. مریم به حد کمال شاگرد است، شاگردی که نطفه جامعه متولد شده را شکل می دهد.

تمثیل رنجهای زایمان که عیسی به منظور آماده سازی شاگردان برای رنجش به کار می گیرد، دقیقاً با مادرش مطابقت می کنند: «زن در حین زائیدن محزون می شود، زیرا که ساعت او رسیده است. ولی چون طفل را زائید، آن زحمت را دیگر به یاد نمی آورد، به سبب خوشی از اینکه انسانی در جهان تولد یافت» (۱۶: ۲۱). وانگهی همان تمثیل در ظهور زن در مکاشفه نیز دیده می شود. این زن سمبل قوم خداست که مسیحش را در رنج می زاید. از نظر یوحنا شاگردان چه کسانی باشند؟ «بقیه فرزندان او که فرمانهای خدا را نگاه می دارند و به عیسی شهادت می دهند» (مکا ۱۲: ۱۷).

نوشته قرن دوم این فعل را مفرد صرف کرده اند: «که نه از خون، نه از خواهش جسد و از خواهش مردم بلکه از خدا تولید شد». این آیه از «کلمه» سخن می گوید که پدری جز خدا ندارد. و در این صورت انجیل یوحنا نیز بارداری بی آلیش عیسی را شهادت می دهد. اما اگر این موضوع از ابتدا واضح و مشخص بوده چرا تقریباً تمام دست نوشته ها از آوردن متنی چنین صریح بر تولد بی آلیش عیسی اهمال کرده اند.

### عیسی

### یا ایمان داران؟

انجیل از طریق هزاران دست نوشته که همیشه موافق هم نبوده اند به دست ما رسیده است. اما تنها در مورد حکمت الهی اختلافاتی دیده می شود. مثلاً در یوحنا ۱: ۱۳ بیشتر دست نوشته ها فعل «به دنیا آمدن»، «تولید کردن» به صورت جمع صرف شده است «که نه از خون نه از خواهش جسد نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافته اند.» این آیه از ایماندارانی سخن می گوید که با ایمانشان در زندگی نوین تولد می یابند.

اما چند دست

بود همان طور که آغاز شده بود پایان گیرد. در حقیقت حوا، باکره و بی لک، سخن مار را پذیرفت و به همین دلیل نافرمانی و مرگ را زایید. مریم باکره، زمانی که جبرائیل فرشته به او اعلام کرد که روح القدس بر او نازل خواهد شد با ایمان و شادی پاسخ داد: «بر حسب سخن تو واقع شود». پس آن کسی که کتابها خبر آمدنش را می دهند از او متولد شده است. خداوند توسط او (مسیح) پادشاهی مار و آنانی که با او بودند خواه آدم و خواه فرشته را نابود کرد. و آنانی که از گناهان خود توبه کردند و به او ایمان آوردند را توسط مسیح از مرگ رها ساخت». (گفتگویی با تریفون، ۱۰۰)

### ایرنیوس اسقف شهر لیون

(پس از سالهای ۱۷۷ به مقام اسقفی رسید)

«مریم با این جمله «اینک کنیز خداوندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود»، خود را مطیع و فرمانبردار نشان داد. درحالی که حوا به عکس خود را سرکش شناساند. و در حالی که هنوز باکره بود نافرمانی کرد. حوا با نافرمانی اش سبب مرگ خود و نسل بشر و مریم با فرمانبرداری اش سبب نجات خود و تمامی نسل بشر گردید. گره بوجود آمده از نافرمانی حوا توسط فرمانبرداری مریم باز شد. آنچه را که حوا با بی ایمانی اش بسته بود مریم باکره توسط ایمانش باز کرد». (مقاله ای علیه بدعت، III، ۲۲، ۴).

## قدیمی ترین متون نوشته شده دربارهٔ مریم

اینک سه متن از قدیمی ترین متون نوشته شده دربارهٔ مریم: اولین متن در واقع در اعتراف به ایمان به مریم اشاره می کند. مریم در مرحلهٔ اول مادر عیسی مسیح است. دو متن بعدی نقش او را در تاریخ نجات بیان می کنند. او حوایی دیگر است، همانی که ایمانش نجات را توسط عیسی مسیح ممکن ساخت، اهمیت اعلام مژده به مریم که به منظور جبران گناه اصلی است از اینجا ناشی می شود. ایرنیوس در دادن نام «سبب نجات» به مریم، که رسالهٔ عبرانیان آن را به عیسی نسبت داده است، تردید نمی کند (۹:۵).

### ایگناتیوس اسقف شهر انطاکیه

(به سال ۱۱۰ در رم به شهادت رسید)

«هرگاه با شما جز از عیسی مسیح، از نژاد داود. (پسر) مریم که حقیقتاً بدنیا آمد، خورد و نوشید و حقیقتاً در زمان پنطیوس پیلاطس شکنجه و مصلوب شد و مرد و حقیقتاً از میان مردگان رستاخیز کرد، سخن گفتند، نشنیده بگیرید». (نامه به ترالیانها IX)

### ژوستین

(به سال ۱۶۵ در رم به شهادت رسید)

«می دانیم که او (مسیح) توسط مریم جسم گرفت تا نافرمانی که مار سببش

## تمثیل‌های مریم در عهد عتیق

### زنان نبیه

کتاب مقدس اغلب به پیشوایانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب اشاره دارد اما از همسران آنها خیلی کم یاد کرده است. زنانی چون سارا، رفقه، راحیل و لیه که در مرحله اول مادر بودند. در کتاب پیدایش (۱:۱۲) خداوند به ابراهیم می‌گوید: «از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه پدر خود به سوی زمینی که به تو نشان می‌دهم بیرون شو» تمام مایملکت را ترک کن و فقر و آوارگی را بپذیر. در این تجربه مادی و معنوی قبول نقصان به معنی پذیرفتن برکت است. سارا و دیگر زنان به همان اندازه ابراهیم در ایمان زندگی کرده‌اند، آنان رفتن بدون امنیت و هیچ تضمینی جز وعده ذریتی بیشمار درحالی‌که همگیشان نازا بودند را تجربه کرده‌اند.

در ممری (پیدایش ۱۸) زوج پیری، از سه مرد که وعده تولدی شگفت در همان سال را به آنها می‌دهند پذیرایی می‌کنند. از شنیدن این خبر هر دو خندیدند... سه زوج یعنی ابراهیم و سارا، اسحاق و رفقه، یعقوب و راحیل خدا را نیز در گفتگوشان وارد کردند، گفتگوشان تبدیل به مکالمه ای سه جانبه شد و کلام خداوند زوج را بارو ساخت و تولد را در بی باری و آغازی را در آنجا که همه چیز پایان می‌گیرد خلق کرد. تاریخ نجات که همیشه از یک تبعید یعنی آزمایش ایمان می‌گذرد، توسط زنان نبیه تحقق می‌یابد. آنگاه که هیروودیس کودکان را قتل عام می‌کند، صدای گریه راحیل در بیت‌الحم (مت ۱۸:۲) چون در راه که بنی اسرائیل را برای تبعید به بابل جمع کرده بودند، شنیده می‌شود (ار ۱:۴).

### دختر صهیون

در سده هشتم این نام محله جدیدی در اورشلیم بود. اما سرانجام تمام شهر ساخته شده بر شیب تپه‌های صهیون که معبد نیز بر آن واقع بود را به این نام نامیدند. انبیاء، خواه آزمایش، یعنی تهاجم دشمن و خواه نجات، یعنی آزادی و

انجیل نگاران برای توضیح سر عیسی به فراوانی از عهد عتیق استفاده کرده‌اند. لوقا و یوحنا در آن تمثیلهایی از مریم پیدا کرده‌اند. شخصیت‌ها یا حقایقی که در رابطه اش با خدا یا عیسی، به او شباهت دارند. باید تمثیل‌های مریم در عهد جدید را از تمثیل‌هایی که مسیحیان بعدها خلق خواهند کرد، متمایز ساخت. در اینجا دو موضوع مادر بودن و ایمان مریم به تفصیل شرح داده شده است.

### مادر مسیح پادشاه

متی بنا به ترجمه یونانی عهد عتیق (ترجمه هفتادتنان) به نبوت اشعیا نبی (۱۴:۷) اشاره می‌کند: «اینک باکره آبتن شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند» (مت ۱:۲۳). لوقا جز به جز این متن را ذکر کرده و بر جد شاهی پسر مریم تأکید می‌نماید. «خداوند خدا تخت پدرش داود را به وی عطا خواهد فرمود؛ او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود» (لو ۱:۳۲-۳۳). لوقا بدین ترتیب از مادر پادشاه یاد می‌کند، چون بتشیع مادر پادشاه سلیمان (۱ پاد ۲:۱۹). کتاب پادشاهان همیشه نام مادر یک پادشاه را ذکر می‌کند و نه نام همسرش را. و یک ملکه زمانی عنوان «بانوی بزرگ» را به خود می‌گیرد که پسرش بر تخت بنشیند.

انبیاء اورشلیم اهمیت فراوانی به تمثیل مادر مسیح داده‌اند. علاوه بر نبوت اشعیا که در بالا ذکر شد میکا نیز بر این امر نبوت می‌دهد (۵:۱-۲). این گونه مادر شدن خارق العاده است چرا که خداوند به وسیله او مسیحش را به بنی اسرائیل خواهد داد. یقیناً به همین خاطر است که یهودیان در کتاب اشعیا نبی (۱۴:۷) نه تنها مادر آینده مسیح را به صورت زنی جوان بلکه به صورت یک باکره دیده‌اند. بنابراین رؤیت بخشش خداوند، همانطور که در مورد زنان نبیه‌ای که نازا بودند دیده شد، واضح تر خواهد بود.

بازسازی را به اورشلیم که معرف تمام بنی اسرائیل است، اعلام می کنند. پیش گویهای نجات در کتاب مقدس فراوانند و در سلام فرشته به مریم منعکس می شوند: «ای دختر صهیون ترنم نما... مقدس، یهوه خدایت در میان توقدیر است و نجات خواهد داد!» (صف ۳: ۱۴-۱۷، اش ۱۱: ۶۲، زک ۲: ۲۴، ۹: ۹).

دختر صهیون معرف بنی اسرائیل و عروس خداوند است چرا که توسط پیمان به خداوند تعلق می گیرد و برای او پسرانی می آورد. لوقا با تشبیه مریم به قدس الاقداس مملو از ابر ناشی از حضور خدا و به صحرا (لو: ۳۵، خروج ۴۰: ۳۴-۳۵) و طاقی که داود پادشاه، شادمانه رو به کوه یهودا برافراشت، از معبد یاد خواهد کرد (لوقا: ۴۳: ۲؛ سمو: ۹: ۶؛ رک ص ۱۷).

## دیگر زنان

**حوا**، اولین مادر بشریت، با شک و تردید که مار سمبل آن است اغوا شد. ماری که در مکاشفه به اژدهایی بزرگ (مکا: ۱۲) تبدیل می شود. این حیوان نفرت انگیز توسط مسیح به سختی زخمی شده اما نمی میرد. دنیا از این مار صدمه کمتری می دید اگر حوای بی ایمان که در هر کدام از ما حاضر است جایش را به مریم با ایمان می داد... آیا عیسی شاگردانش را دعوت به «پذیرایی از مادرش» نکرد (یو: ۱۹: ۲۷)؟

**مریم**، خواهر هارون و موسی زنی نبیه بود. بنی اسرائیل خدای آزاد کننده اش را با سرود او (خروج ۱۵: ۲۰-۲۱) می سراید. این آیه نقطه اوج غزلی است که موسی برای دریا سرود. مریم الهام یافته و خداوند را ستایش کرد و زنان دیگر را نیز دعوت به آواز خواندن کرد.

**حنا**، مادر سموئیل نیز خداوند را می سراید سرود ستایش مریم از این سرود الهام گرفته است. این سرود مادری برای پسرش است که او را پس از سالها بی باری و نازایی بدست آورده است. حمد و ستایش خدایی را که برای نجات انسان پا پیش می نهد.

**روت**، زنی بیگانه از موآب، که کتاب مقدس آن را سرمشق قرار می دهد: زن بیگانه چون جد داود و بدین طریق جد عیسی است پس مسیح از نسل او می باشد (مت: ۱: ۵). روت به خدای بنی اسرائیل ایمان دارد و زندگی و ذریه اش را وقف او می کند.

**محبوب غزل غزلها**، نامزدی است که عشق برای او در عین حال وعده و تحقق وعده است. در این غزل که در باغ عدن بازیافته، باغی که اولین زوج خود را از آن محروم کرد، سروده می شود، اشکی نیست. این محبوب بنا به سنت بنی اسرائیل است. قومی که خداوند او را برگزید. آیا می توان مریم را در آن دید؟ «آواز محبوب من است که در را می گوید» (غزل ۵: ۲)، خداوند می گوید: «من پشت در ایستاده در را می گویم» (مکا: ۳: ۲۰). مریم صدای در را شنید، در را باز کرد و او وارد شد.

**یهودیت «یهودی»**، زنی جسور است که شهرش را نجات می دهد. خداوند یکبار دیگر برای رهایی قومش از تهدید قدرتمندان توسط او وارد می شود. درباره اوست که می گوید: «تو در بین زنان متبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو» (یهودیت ۱۳: ۱۸ ر. ک لو: ۱: ۴۲). مریم که با سخن تغذیه می شد برای حمل کلام خداوند در رحمش برگزیده و خوانده شد. او از نژاد این زنانی است که او را در زندگی خود ترسیم کرده اند.

برگردانید. هیچ کدام از عصاها علامتی نداشت، یوسف عصایش را پس از همه دریافت. در همان هنگام کبوتری از روی عصایش برخاسته و بر سرش نشست. پس کاهن گفت: «یوسف، یوسف، تو انتخاب شدی تو از باکره خداوند نگهداری خواهی کرد.»

## انجیل کاذب متی

این انجیل سده ششم، اصلاح انجیل قبلی مورد استفاده مردم مغرب زمین است.

مریم مورد تحسین تمام قوم بود. در سه سالگی رفتاری مطمئن و بیانی خوب داشت، چنان خود را وقف ستایش خداوند می کرد که او را نه به چشم یک کودک بلکه به چشم فردی بالغ می نگریستند. به اندازه یک زن سی ساله دعا می کرد و صورتش به مانند برف می درخشید. به زحمت می شد در نگاهش خیره شد. به کار پشم بافی مشغول بود و کاری را که زنان پیر قادر به انجامش نبودند او در عنفوان جوانی انجام می داد.

## داستان یوسف نجار

این کتاب جعلی مصری احتمالاً متعلق به سده چهارم میلادی و اولین سندی است که به احترام و اکرام به یوسف گواهی می دهد. عیسی راوی فرضی این داستان است. وقایع زندگی پدر عزیز من یوسف از این قرار است: در سن چهل سالگی ازدواج کرد. پس از چهل سال زندگی زناشویی همسرش درگذشت و او به مدت یکسال تنها بود. سپس مادرم پس از آنکه کاهنان با این دستور «تالظه ای که ازدواجتان انجام شود از او مواظبت کن» او را به یوسف سپردند، دو سال در خانه او زندگی کرد. در سومین سال زندگی اش در خانه یوسف در حالی که پانزده سال داشت با سَری که در تمام دنیا هیچ کس غیر از من، پدرم و روح القدس که یکی هستیم، آن را نمی فهمد مرا به دنیا آورد.

## مریم در اناجیل مشکوک الاصل

تقوای عمومی خیلی زود در تاریخ کلیسا، خود را در مقابل سکوت اناجیل ناامید یافت. و برای عامه مردم که می خواستند مطالب بیشتری در مورد اطرافیان و بخصوص والدین عیسی بدانند در کنار اناجیل داستانهای شگفت آوری نوشت. مریم هدف اول این کنجکاوی ناخوش آیند بود. نمونه ای چند از این داستانها ذیلاً نقل شده است.

## انجیل جعلی یعقوب

این انجیل جعلی که به یعقوب، برادر عیسی نسبت داده شده است و احتمالاً به سده دوم میلادی تعلق دارد، «اولین» وقایع و آغاز زندگی مسیح را حکایت می کند. هدف کلی این انجیل اثبات تبار ملکوتی خدایی عیسی است.

زمانی که مریم ۶ ماهه شد، مادرش او را بر زمین نهاد تا ببیند آیا کودک می تواند بر سر پا بایستد. کودک ۷ قدم برداشت آنگاه به دامن مادر بازگشت، مادر او را بلند کرده گفت: «به حقیقت خدایم، تو بر زمین پای نخواهی نهاد مگر آنکه تو را به معبد خداوند برم.» مادر عبادتگاهی در اتاق دخترش تهیه کرد و هرگز اجازه نداد که به شیعی نجس و ناپاک دست زند...

آنگاه که مریم دوازده ساله شد کاهنان مشاوره کرده گفتند: «حال مریم دوازده سال در معبد خداوند است، چه باید کرد تا او قدس الاقداس خداوند را ناپاک نگرداند؟» ... در آن حال یکی از فرشتگان خداوند ظاهر شده گفت: «زکریا از معبد بیرون شو و مردان بیوه را جمع کرده از آنان بخواه که عصایشان را نیز همراه بیاورند. آنکه خداوند علامتی به او دهد مریم همسرش خواهد شد.»

تمام مردان بیوه گرد آمدند... کاهن عصاها را برداشته وارد معبد شد و دعا کرد. پس از اتمام دعایش عصاها را برداشته از معبد خارج شد و آنها را به صاحبانشان



## انجیل توما

این انجیل که احتمالاً متعلق به قرن دوم میلادی است توسط گروهی بدعتکار «گنوستیک» که ادعا می‌کردند «عرفان»، شناخت و معرفتی که می‌رہاند را در اختیار دارند، این انجیل در یک بخش ضد زن از مریم ذکری می‌کند.

شمعون پطرس به آنان گفت: «مریم را از میان ما خارج سازید، زنان شایستگی زندگی جاویدان را ندارند!» عیسی گفت: «من او را نرینه می‌سازم تا او به مانند شما مردان روحی زنده گردد. چرا که هر زنی که نرینه شود وارد ملکوت آسمانی خواهد شد.»

## نتایج چند:

واضح و مبرهن است که کلیسا این ادبیات را از متون برحق کلیسایی حذف کرده باشد، با این حال برخی از این نوشته‌ها تأثیری بسزا از خود بر جای گذاشته اند. برای نمونه انجیل جعلی یعقوب منشأ اعیاد بیشماری چون عید حنای قدیسه و یواخیم قدیس، بارداری مریم، میلاد و معرفی مریم به معبد قرار گرفته است.

اغلب این داستانها هدفی جز ستایش مریم ندارند، و برآند تا ثابت کنند که مریم قبل از تولدش برگزیده خداوند بود، برای همیشه باکره ماند و پسرش خداوند است. تقوای عموم از این موضوع شاد است و چندان توجهی به ایمان مسیحی نمی‌کند. مریم به دور از رازداری انجیل که او را ایمان داری حقیر معرفی می‌کنند، آماده و مهیای سر خداوند و به همین علت تمثیل حقیقی شاگرد عیسی است.

## تکریم مریم زیر سؤال

آیا می‌توان زیارتگاهی چون لورد را با مجسمه‌ها، شمایل‌ها و تسبیح‌ها، مجموعه‌ای از تقدس خرافاتی و موهوم توصیف کرد؟ خیر، یقیناً از نظر شخصی که از ۱۵ سال پیش مأموریت شبانی کشیشان را انجام می‌دهد این امری ناممکن است.



نشانه‌های زیادی از گرایش قلبیها و حیات کلیسا داده شد تا معجزه‌ها، ظهورها و زیارتها به آسانی و بایک ضربه پشت دست پس زده شوند و از یاد بروند. آیا ایمان به عیسیای مرده و رستاخیز شده، به خوبی در ما جا افتاده است؟ در پرتو مجمع واتیکان II نظری بر تکریم مریم بیفکنیم، بدین وسیله خود را در بطن راز مسیح و کلیسا خواهیم یافت.

## جنبه مذهبی

انسان، در تمام تمدنها، به منظور زیارت راهی منبع لطف و نیکی می شود. تا به هنگام جابجایی جدید تعطیلات زمستانی یا تابستانی هر کس به شیوه خود این کار را انجام می داد. چرا که بشر همواره در جستجوی بهشت بوده. نمی گویم که عصر ما، عصری مذهبی نیست بلکه مذهب به صورتی دیگر و غالباً به صورت موهوم پرستی در مواردی چون قمار، طالع بینی و غیب بینها ظاهر می شود. مجسمه قدیسان هنوز هم به هنگام امتحانات صدها شمع را به کلیساها می کشانند. استادان دانشگاه از خرید مجسمه پلاستیکی حضرت مریم و پر کردن آن با آب غار لورد خوشحال و مسرورند.

مریم جایگاهی اساسی در عالم زهد و تقوا دارد، مادر مطهر نجات دهنده، از میان تمام دیگر قدیسان به خداوند نزدیکتر و در عین حال محرم ما نیز هست. تقرب به خداوند وجود واسطه هایی را ایجاب می کند. موسی در کوه سینا بنی اسرائیل را ترسیم می کرد. شاید زنی باکره و مادر بهتر بتواند نقش رهبر و پیشوا را در راه زندگی ایفا کند. آیا این نقش اصلی او نیست؟ مهم این است که مریم را مادر جبری قدرت الهی ندانیم. مریم ناصره، بیت الحم و جلجتا شاهدی حقیر و فروتن است که خداوند در ابتدا با او سخن گفته و او را دعوت نموده است.

## سخن انسان شد

مفاهیم مذهبی تحت تأثیر امیال و آرزوهای انسانی قرار دارند. انسان باید زندگی کردن در ایمان را بیاموزد، چرا که از او کاری جز آماده سازی قلبش برای ملاقات با خداوند بر نمی آید. اما این ملاقات ثمره یک رویا نیست. مریم به حقیقت این ملاقات گواهی می دهد. تقوای عامه فلسفه آرمان گرایی را رد می کند و خواهان دیدن و درک قدرت الهی است. و غالباً آن را (قدرت الهی را) در فراوانی محصول، تعداد کودکان و باروری یک الهه مادر ستوده است، پس ما غرق در افسانه ایم و این الهه از وضعیت فناپذیر ما می گریزد.

مجمع واتیکان II یادآوری می کند که حقیقت بسی زیباتر از افسانه است. زنی پسر خدا را بدنیا آورد. خود خدا جسم گرفت. جسم که بنا به گفته کتاب مقدس جز «نفسی که بی بازگشت، می رود» نیست. نامتغییر وارد داستان متغییر جهان شده است. تأثیر ناپذیر، رنج کشید و ابدیت، مرگ را شناخت، و بدین سان امروزه مرگ حقیقتاً مغلوب و زندگی جاودان در وجود ما افشانه شده است.

از همان اولین قرون تشکیل کلیسا دوست داشتند مریم را مادر خدا «theotokos» بنامند. البته نه مادر الوهیت خدا بلکه مادر جسمانی خدا، این عنوان از آن پس بخشی از هویت مریم را تشکیل می داد و مریم به حقیقت خداوند شهادت می داد. خدایی که به حد کمال دوست می دارد و می بخشد. یعنی عطیه کامل خود را از ورای گناه که اولین و آخرین حرف را در دنیای ما دارد، می بخشد. دنیا توسط مریم بخشوده شده و این تنها یک وعده نیست چرا که این وعده تماماً در جلال قیام کننده جان و روح گرفته است.

## خداوند ما را بی ما نجات نمی دهد

بسیاری از زیارتگاه های حضرت مریم، مبداء و منشاء زهد و تقوا هستند. انجیل ما را دعوت می کند تا با این نشانه مقدس ظهور ملکوت الهی در این جهان را تشخیص دهیم. موضوع تنها یک حقیقت سحر آمیز با نتیجه ای خودکار نیست بلکه پیشنهاد محبتی است: چنانچه روح القدس را بپذیری از سینه خاک انسانیت، از گل حقیر زندگانی، نهرهای آب زنده جاری خواهد شد (یوحنا ۷: ۳۸-۳۹). قادر متعال تنها قادر به انجام یک عمل نیست و آن مقید کردن یک نفر آزاد است، خداوند عشق خود را تحمیل نمی کند. چنانچه خداوند کمترین اثری از شک و تردید در مریم می دید هیچگاه او را وادار نمی کرد. اما خداوند مریم را پاک و بی آلایش آفرید و آزادی مریم روز به روز راضی به فیض الهی شده است.

بدین ترتیب مریم به اعلی درجه «زائر ایمان» است، او که به خاطر ایمانش

خوشبخت خوانده شد. (لو: ۴۵). در بسیاری از کلیساها مریم را در انتهای راهش یعنی در پای صلیب یا حامل جسد پسرش نشان می دهند. او به ما می آموزد که نجات خداوند با یک اشارهٔ چوب جادویی حاصل نمی شود بلکه شرط نجات بله است. بله ای تماماً به مانند بله عیسی به پدرش، بله ای که هر کدام از ما باید آن را بر زبان آورد. بله ای که ثمرهٔ فیض و آزادی است.

تقوای عموم محتاج شفاعت است. آیا مریم باکره، نان مقدس و حضرت پاپ این «سه شیء پاک» عوامل اصلی جهت تشخیص یک کاتولیک خوب می باشند؟ شفاعت مادرانهٔ مریم که مجمع از آن سخن می گوید چیزی از یگانه شفاعت مسیح کم نمی کند. به عکس تقوا و پرهیزکاری را در آن ظاهر می سازد *Lumen Gentium* (۱۶۰ نور ملل). کلام خداوند، آیین دینی، حیات کلیسا و تقدس روزانهٔ زنان و مردان، عناصر کمیته نیستند که خود را بر نجات داده شده توسط مسیح بیفزایند بلکه ثمرهٔ این نجات هستند. خداوند می خواهد که ما از برای یکدیگر شفیع و رهاننده باشیم چرا که ما اعضای بدن مسیح می باشیم که توسط او نجات یافته و با او نجات دهنده هستیم (ر. ک به کو: ۲۴).

## روح القدس و زن

مریم سینهٔ مادرانه اش را تقدیم ما می کند، جایی که می توانیم در آن از روح تولد یابیم. او مصنوع عشق و محبت است. مکان ملاقات، آنجا که فرزندان گم شده خانواده شان را باز می یابند. متعجب کننده نیست که مکانی چون لورد بنا به قول کلودل تبدیل به «عامل بازدارنده» تمام مصائب انسانها و در همان حال جایگاه امید شده باشد. چرا که تمام گناهکاران بخشیده شده و فرزندان گم شدهٔ بازگشته، به نوبهٔ خود مادر، خواهر و برادر عیسی برای دیگران می شوند. امتیازات مریم تنها به منظور تقسیم شدن بین همگان داده شده اند. مریم به عنوان مادر خانواده، سر وجود و تقوایش را یعنی رضایت به عشق و عروس خدا بودن را به تمام بشریت می نمایاند.

## گروه های مطالعاتی کتاب مقدس

به همراه مطالعهٔ این مجموعه در خصوص مریم، ما مطالعه ای ویژه بر نحوهٔ الهام هنرمندان توسط کتاب مقدس را به گروههای انجیلی پیشنهاد می کنیم. هدف روشن کردن این مطلب است که تمثال نگاری مسیحیت و بخصوص کاتولیک چگونه متون انجیلی را مصور و تفسیر کرده است. یقیناً در طی قرون موضوعاتی مقتبس از اناجیل مشکوک الاصل یا تجسم و تخیل عامه نیز در میان این متون ظاهر شده اند. خواندن این تصاویر همراه با سعی بر فهمیدن آنها و شناسایی نگارندگانشان، تمیز دادن سرچشمه و هدفشان و مرتبط کردن آنها با دیگر آثار، جالب خواهد بود.

## تجسسی فردی

در عمل هر شرکت کننده با تفحص در تصاویر مریم و ترجیحاً مجسمه ها، نقاشیها، وبتراپها و دیگر تصاویر موجود در کلیساها بدون فراموش ساختن تصاویری که مریم در آنها شخصیتی است در میان دیگر شخصیتها (میلاد مسیح، ستایش مجوسیان، پنطیکاست و غیره...) آغاز می کند. برخی از این موضوعات بخصوص زیارتگاهها با روایتی که توضیح می دهد به چه سبب مریم در آنها پرستیده شده است در این تفحص رساتر و پر مفهوم تر خواهند بود.

حتی می توان در میان کتابهای قدیمی دعا آنچه را که دربارهٔ اعیادی که یک واقعهٔ انجیلی را تقدیس نمی کنند مانند اعیاد ۱۱ فوریه، ۱۶ ژوئیه، ۱۵ و ۲۲ اوت، ۸ و ۱۲ و ۱۵ سپتامبر، ۷ و ۱۱ اکتبر، ۲۱ نوامبر و ۸ دسامبر نوشته شده، مطالعه کرد. این موارد را مختصراً یادداشت کنید.

## تفکر گروهی

در ابتدا و با هم تمایز بین موضوعات و تصاویر نشأت گرفته از کتاب مقدس و دیگر موضوعات را بررسی کنید. در مواردی چند عبارت یا متنی از انجیل باعث پدید آمدن موضوع گشته سپس تخیلی آن را پرورانده و بسط داده است. تمام هم این مطالعه بازبایی علت بسط موضوعات خارج از کتاب مقدس است. طبیعتاً کار تعبیر و تفسیر را خواه از نظر سنت جهانی کلیسا خواه از نظر سنتهای عامیانه محلی و مربوط به عصری خاص را ملاحظه خواهید کرد. می‌توان در این راه از کتابهایی چند نیز کمک گرفت. دقت و توجه به این چند نکته در تمثال نگاری ضروری است. آیا مریم تنها یا به همراه عیسی به تصویر کشیده شده است؟ او چه مقامی در تصویر دارد؟ موقعیت این تصویر در کلیسا چیست؟ آیا رفتار و جامهٔ مریم، او را یک زن دهقان، متوسط‌الحال، مذهبی یا ملکه نشان می‌دهد؟ چنانچه هر شرکت کننده مشاهدات خود را شرح دهد، سؤالات زیادی پیش خواهند آمد که به منظور حل آنها باید مرتباً به متون انجیل مراجعه کرد.

یادداشتهایی برای تعمق

### چهار جدۀ عیسی (متی ۱: ۳-۶)

متی در نسب نامهٔ عیسی سه سری چهارده تایی نام از ابراهیم تا به عیسی می‌شمارد. این سه سری را داود و سپس تبعید به بابل از هم جدا می‌کنند. متی خواسته است بدین ترتیب تبار پادشاهی عیسی را نشان دهد، مسیح که توسط یوسف (پدر شرعی اش) اولاد دور داود است. او همچنین خواسته است عیسی را به مانند کسی که تمام تاریخ بنی اسرائیل را تجدید می‌کند و تحقق می‌بخشد معرفی نماید. عیسی از تبار ابراهیم و وارث وعدهٔ برکت برای تمام ملت‌هاست.

متی این نسب نامه را چگونه بدست آورده است؟

از دو متن کتاب مقدس: آخرین فصل کتاب روت (۴: ۱۸-۲۲) و فصل دوم کتاب اول تواریخ (۲: ۱-۱۵). باری لیست نام این ۴۲ نسل شامل نام ۴ زن می‌باشد که به نام مردی که به او تعلق دارند افزوده شده است. سپس پنجمین نام یعنی مریم بین نام عیسی و یوسف نوشته شد (مت ۱: ۱۶). نام این چهار زن به چه منظور آمده است؟ آیا اینان در اعلام مادر شدن مریم نقشی ایفا کرده‌اند؟ باید با خواندن داستان این چهار جدۀ عیسی در عهد قدیم آغاز کرد. اما این به تنهایی کافی نیست.

اینک متون روایات یهودی که نقش این زنان و در نتیجه نقش مریم را روشن

می‌سازند

### تامار

داستان شگفت تامار در فصل سی و هشتم سفر پیدایش آمده است. او همسر نخست زادهٔ یهودا بود. پس طبق نوشتهٔ (پیدایش ۴۹: ۸-۱۲) وعدهٔ بزرگ یعقوب باید بوسیلهٔ او تحقق می‌یافت. یهودا بالاخره می‌گوید: «او از من بی‌گناه تراست»

(آیه ۲۶). این زن کنعانی طبق روایات یهود به یهودیت می‌گردد: تامار قدیس نام خداوند را تقدیس کرد. او که در آرزوی نسلی مقدس بود فریفته شد و عملی مقدس انجام داد و چون خواستش مقدس بود خداوند آنرا تحقق بخشید. او در مقابل خداوند بیوه بود اما خداوند آرزوی جد قوم خدا بودن را از او سلب نکرد، چرا که اینان آن بذری هستند که خداوند برکت داده است.

یکی از تفاسیر تورات نظریهٔ خاخام یودان را آورده می‌گوید: آنگاه که یهودا گفت: «او بی‌گناه است» روح القدس ظاهر شده گفت: «تامار فاحشه نیست. و یهودا نخواست که با او زنا کند؛ بلکه خواست من این بود تا مسیح (داود) از ذریت یهودا باشد».

## راحاب

زنی کنعانی و فاحشه، جاسوسان یوشع را در اریحا به عوض جان خود پناه داد (یوشع ۲: ۱-۲۱. ۱۶: ۱۷. ۲۳: ۲۵) اقرار به ایمانش را در (۲: ۹-۱۱) ملاحظه کنید. به همین خاطر است که راحاب را یک جدیدالایمان می‌دانند. فلاویوس ژرف می‌نویسد: راحاب آنان را پس از آنکه سوگند به احسان به وی خوردند به زمین خود روانه کرد. «همینکه اریحا به دست شما بیفتد بنی اسرائیل تمام ساکنان آنرا از بین می‌برند. راحاب این‌را توسط نشانه‌ای که خداوند به او داده بود می‌دانست».

تفسیری از تورات می‌گوید: «قبل از رسیدن بنی اسرائیل به سرزمین موعود، روح القدس بر راحاب نزول کرده بود». بعضی از احادیث راحاب را زن یوشع و جد ارمیا نبی و حزقیال نبی می‌دانند.

## روت

روت جدۀ داود، زنی از موآب و یکی از اعقاب دور دختران لوط بود (پید۱۹: ۳۱-۳۷). تفسیر کتاب مقدس در توضیح سفر پیدایش ۱۹: ۳۲ می‌گوید: « نسلی از پلر خود

نگاه داریم. « نمی‌گویند «پسری» اما «نسلی» وانگهی این نسل (Zera) که به ما می‌رسد (Zar) کیست؟ مسیح، از اعقاب روت موآبی.

تفسیر کتاب روت به متن (۳: ۱۵) کتاب اشاره کرده می‌گوید: « او شش کیل جو پیموده و بروی گذاشت. « و می‌افزاید: و او به نام خداوند قدرت بردن آنها را دریافت. و بلافاصله به او وحی شد که از او شش عادل خواهد آمد که هر کدام به یک رحمت تقدیس خواهند شد: داود، دانیال و سه همراهش و مسیح.

## بتشبع:

داستان زنای داود با او مشهور است (۲ سمو ۱۱-۱۲). آیا این زنی از بنی اسرائیل است؟ در هر حال او همسر یک مرد خارجی است. متی اسمی از بتشبع نمی‌برد. آیا خواسته بدین ترتیب زنای داود و مرگ شوهر را یادآوری نماید؟ در حقیقت احادیث یهود همیشه بتشبع را از این زنا که هوس شاه بود بری دانسته‌اند. بتشبع نقش مثبتش را در واقعه عروج پسرش بر تخت (۱ پاد ۱: ۱۱-۳۷) به سبب ایمانش به وعده الهی که ناتان آن را اعلام کرد (۲ سمو ۷: ۱۲-۱۶) نشان می‌دهد.

## «سرود ستایش مریم» لوقا ۱: ۴۶-۵۵

سرود ستایشی که لوقا از زبان مریم (با به قولی دیگر از زبان الیزابت) می‌خواند یقیناً یکی از سرودهای جامعهٔ اولیه مسیحیت است. که شاید در اصل یکی از غزل‌های ستایندهٔ «دختر صهیون» (بنی اسرائیل) بوده که در ابتدا به سبب نازایی‌اش تحقیر و سپس برای بدنیا آوردن مسیح مورد تحسین قرار می‌گیرد. دلیل منسوب کردن این سرود به جامعهٔ مسیحیت و سپس به مریم مادر عیسی مسیح روشن است. مریم با به دنیا آوردن مسیح تبدیل به نمادی از بنی اسرائیل می‌شود. و حال چند نکته برای درک بهتر این متن.

### مرحلهٔ اول:

در ابتدا متن را به خوبی بدون سعی در درک و پیام آن مطالعه کنید، برای این کار باید قسمت‌های مختلف سرود ستایش را درک و عباراتی که چندین بار تکرار شده‌اند را مشخص کرد. یک پیشنهاد:

### قسمت اول: آیه‌های ۴۶-۴۹

این قسمت مستقیماً در ارتباط با سرایندهٔ سرود است: «من ... ضمیر مفعولی» که خود را کنیزی حقیر وصف می‌کند. در آیه‌های بعد از کلمات «افتادگی و کنیز» استفاده خواهد شد. سرایندهٔ سرود «خوشبخت» است چرا که خداوند برای او کارهای بزرگی کرده است که همه کس آنها را خواهد شناخت.

تنها با بسنده کردن به این متن نمی‌توان فهمید که کار خدا چه بوده و سراینده از چه اعجابی سخن می‌گوید؟

### قسمت دوم: آیه‌های ۵۰-۵۳

در این آیه‌ها برکت خداوند نه از برای سرایندهٔ سرود بلکه در قبال شش قشر مغایر و مخالف است.

متکبران/ پارسایان

قدرتمندان/ فروتنان

گرسنگان سیر از نیکویی/ ثروتمندان تهی دست.

پس قسمت دوم تحول کلی موقعیت را توصیف می‌کند. این اشخاص چه کسانی هستند؟ توضیحی داده نشده است اما سراینده از «فروتنان» است (کنیز ناچیز)

### قسمت سوم: آیه‌های ۵۴-۵۵

در این آیه وارث کار خداوند به روشنی و وضوح «بنی اسرائیل» معرفی شده است. خدمتگذار به کنیزی که در ابتدای سرود معرفی شد می‌پیوندد. بخشندگی (با شفقت) ذکر شدهٔ خداوند در این قسمت در قسمت دوم نیز آمده بود. پس فقرای ذکر شده در قسمت دوم معرف قوم خدمتگذار خداوند یعنی بنی اسرائیل هستند.

### مرحلهٔ دوم:

در ترجمه‌های جدید کتاب مقدس در ارتباط با سرود ستایش مریم ارجاعاتی به دیگر متون کتاب مقدس (عهد عتیق) شده است:

۱ سمو ۲: ۱	مز ۳۱: ۸
مز ۳۴: ۴، ۶۹: ۳۱	بنسی ۱۱: ۱۲، ۱: ۴۵
۱ سمو ۲: ۱	پید ۳۰: ۱۳، ۱: ۳۲
حب ۳: ۱۸	تث ۱۰: ۲۱
مز ۹: ۱۵، ۱۳: ۶، ۳۱: ۸، ۳۵: ۹	مز ۷۱: ۱۹
۱ سمو ۲: ۲۵، ۱: ۳۸	۱ سمو ۲: ۲۰

مز ۱۱۳:۷

مز ۱۱۱:۹

مز ۱:۵۷

اش ۵۷:۱۵

مز ۱۱:۳۴، ۹:۱۰۷

مز ۱۰۳:۱۷، ۶:۶۱، ۷:۱۰۰، ۵:

اش ۴۱:۸-۹

مز ۸۹:۱۱

مز ۳:۹۸، ۲۵:۶

بنسی ۱۰:۱۴

میک ۷:۲۰

ایوب ۱۲:۱۹

مز ۱۸:۵۱

اسمو ۲:۸

حرق ۲۱:۳۱

پس متوجه می شویم که سرود ستایش مریم چکیده ای از اشارات و عبارات متون عهد قدیم و بخصوص تأکید دوباره غزل حنا در کتاب اول سموئیل (۱ سمو ۱۱-۱:۲) است که حنا در آن خدا را برای زدودن شرم نازایی اش سپاس می گوید.

### مرحله سوم:

حال با مطالعه درباره سرود ستایش مریم که خاص انجیل لوقا است، سعی بر درک اعتراف به ایمان در این غزل می نماییم.

- سرود ستایش مریم در مورد خداوند چه می گوید؟ متون انجیل و بخصوص موضوع عیسی به چه سبب تصویری از برکت خداوند در قبال ناچیزان و حقیران است؟

- این سرود از عیسی و تحقق وعده خداوند چه می گوید؟ ایمان به مسیح رستاخیز شده چگونه به سرود ستایش جان می بخشد؟

- این سرود از مریم چه می گوید؟ خوشبختی مریم در چیست؟ مریم به قوم خدا تشبیه شده که مسیح را بدنیا می آورد. کلمه حقیر در اینجا چه مفهومی دارد؟ این تنها فروتنی و خضوع نیست بلکه راه و رسمی برای زندگی و باور به خداست.

### مرحله چهارم

می توان جلسه را با این پرسش به پایان برد: سرود مریم در حال حاضر چه پیامی می تواند داشته باشد؟ آیا وعده های خداوند در عیسی تحقق یافته اما زمان انجام آنها هنوز فرا نرسیده است؟ ایمان به خدای نجات دهنده که برکت خود را نثار فروتنان و گرسنگان می کند چگونه می تواند در نقشه های محلی، ملی و بین المللی به نظر پرتوقع آید؟ آیا سرود ستایش یک عمل ایمانی در وفاداری به خداوند و در عین حال دستورالعملی بسیار پرتوقع و مشکل نیست؟

\* \* \*

\* \*

\*